

یار مست از جام می من مست دور چشم یار  
 ساقی ار این است و می این دور هشیاری گذشت  
 دل بدست آرای صنم از دلبری بردار دست  
 دلنوازی کن که دوران دل آزاری گذشت  
 جای اشک از چشم مردم گر بریزد خون رواست  
 زانکه دور مردمی در مردم آزاری گذشت  
 بی نوا کر شد نوا هرگز تسالد از سپهر  
 زانکه سختی تا که برهم چشم بگذاری گذشت  
 نوای سیرجانی

## احزاب سیاسی و انقلاب روسیه

( قسمت دوم )

### تکامل احزاب سیاسی

از فوریه ۱۹۱۷ تا فوریه ۱۹۱۸ )

در قسمت کتاب باختصار شرحی از احزاب سیاسی روسیه که قبل از  
 حوادث انقلابی فوریه ۱۹۱۷ وجود داشتند ذکر گردید اینک در  
 این قسمت شروع می کنیم بتکامل و تفسیرات متوالیه آن احزاب  
 از ۱۹۱۷ تا فوریه ۱۹۱۸ یعنی وقایع یکساله قبل از ایام خوف و  
 هراس بلشویکی

سه جریان عمده سیاسی موجبات حدت پیشرفت و غلیان احزاب  
 روسیه را هنگام انقلاب فراهم نمود

از طرق راست بچپ که سیر کنیم اول جریان دموکراسی (کادها) دوم جریان سوسیالیزمی سیم جریان مارکزیست یا ماکنزی مالیت ها دیده میشود

سوسیالیزمی باتمام اقسام وصور خود در روسیه ایجاد گشت از قبیل سوسیالیست ملی وکارگران سوسیالیستی و سوسیالیست انقلابی و مارکزیست یا ماکنزیمالیت و قبل از انقلاب بلوک ترقی خواهان قوی ترین وفعال ترین احزاب بود ولی از روز شروع با انقلاب قوت کار بدست بلوک سوسیالیست ها افتاد

برخلاف عقیده هوا خواهان سلطنت مستبده و سرمایه داران مسئله صلح فوق العاده طرف توجه مارکزیست یا ماکنزیمالیت ها شده بود و غیر از این حزب که قطع جنگ را باهر قیمتی طالب بود دسته های دیگر نیز یافت میشد که طرف دار صلح بودند الحاق اراضی و دادن و گرفتن هیچ نوع وثائق و تضمینات و خسارات و فیما بین این دستجات اخیر از همه مهمتر حزب منیمالیست یا منشویک بود که پیشرفت و ترقی زیادی در امور سیاسی کرده بودند و نفوذشان در داخله بحدی زیاد شده بود که حکومت های موقتی متوالیه دوره انقلاب همان مواد مرام آنان را جزو پروگرامشان می نمودند

خیلی مشکل است بتوانیم مباحث انقلاب را از قضیه جنگ جدا سازیم . چون شدائد و سختی های انقلاب روسیه در بجزو

جنگ و بعد از سه سال رنج و حوادث می‌شوم که باعث يك بی‌جرئی کاملی در قلوب جنگجویان کشته بود ظاهر و طالع گشت و نیز نباید فراموش کرد که ملت روس تقریباً در مدت صد سال اخیر مطیع اقتدارات اشخاصی واقع گشته بود که کاملاً در تحت قوذ آلمان بودند و در این مدت سعیشان خواموش کردن احساسات وطن پرستانه ملت بود و بس در این صورت معلوم است کسانی که می‌خواستند انقلاب را اداره کنند چقدر مسئولیت سخت و خطرناکی را برای خود آماده میدیدند خاصه در برابر آتتریک های آلمان و مرتجعین

از پیش آمد های سوء و خطرات مذکوره بزرگتر و مهم‌تر مسئله سپاراتیست بود ( سپاراتیست جمعیتی بودند معتقد به تجزیه ممالک و ملل مختلفه که در تحت سلطه حکومت های مختلفه روسیه بودند) این فکر تهیه شد در مقابل یکجئون بزرگی که رژیم قدیم تزاریست می پروریده حکومت آن زمان بعوض آن که تمام ملل و طوائف مختلفه روسیه را در تحت یک رژیم سیاسی قرار دهد و منافع آن هارا یکی‌بگردد با طرفداران خود معتقد باختلاف و امتیاز و رژیم های استثنائی بود و بفقت اوقاتی می گذراند چنانچه بواسطه کشتار فوق العاده در پولونی و بی اعتنائی های زیاد در قضایای فنلاند و سهل انکاری ها در امور اوکرانی طرف داران حکومت مستبد قدیم هم فکر سپاراتیست را در دماغها پروراندند و در

نتیجه فنلاند که آرزوی استقلال داخلی می داشت امروز بکلی از روسیه جدا گشته هم سیاست خارجی دارد و هم قشون مخصوص و هم سکنه مخصوص و هم چنان پولونی و او کرانی ( زمانی که این کتاب نوشته شده جنگ پولونی با روسیه وقوع نیافته بود مترجم »

بزودی بنظر قارئین محترم خواهیم رسانید که چگونه حکومت های موقتی روسیه متقلب سعی نمودند تا جلو گیری از افکار سپاراتیست ها بنمایند و خواستند مسئله خطیر مسلمان ها را در قفقاز و ایران حل نمایند و توانستند

### حوادث ماه فوریه

چند روز قبل از فرمان تزار معروف به آوگاز ۲۶ فوریه ۱۹۱۲ در باب تعطیل جلسات دوما و موکول شدن افتتاحش به ماه آوریل انقلاب در پترو گراد و در تمام روسیه بروز کرد و این حکم امپراطوری بر شدت و هیجان ملت افزود و در ۲۶ فوریه روز اعلان آوگاز دعوا و زدو خورد سختی بین مردم و قوای پلیس واقع شد .

این انقلاب را دوما و حزب آزادی ملت « کادها » تدارک و اداره میکردند : دومای چهارم ایجاد حکومت موقتی را نمود و بعنوان اهمیت موقع تمام اختیارات را بدست آن داد حتی خودش قانون گذاریرا هم ترك نمود

اما احزاب نهایت دست چپ که دو می چهارم را زائیده

قانون انتخابات سیم ژوئن می دانستند و آنرا بنجاست و کذب وصف کرده بودند در آن قائل بنطقه مرك وفا شده وهیچیک از عملیاتش را تصدیق نمی کردند

کادها که سابقاً وجهه ملی داشتند وقتی حکومت را بترتیبی که ذکر شد در دست گرفتند حیثیات انقلاب طلبی خود را از دست دادند چنانچه بواسطه محذورات فوق العاده که پیش آمد کوچکوف و میلیوکوف از شغل وزارت استعفا دادند و بتدریج تمام وزرای کادها از کار افتادند در آن وقت انقلاب روسیه بمطرف دیکتاتوری دموکراسی انقلابی پیش می رفت ولی بواسطه القائات شاگردان و مزدوران آلمان و خود قشون آلمان آنچه از آن بروز و ظهور کرد عملیات ضد انقلاب بود

از فوریه تا اوت ۱۹۱۷ جریان امور بدان طریق گذشت پس از آن حکومت موقتی چهارم ملقب به ( نجات انقلابی ) سعی کرد مسئله جنگ را در اولین درجه اهمیت مطرح نماید و برای آنکه تمام احزاب انقلابی را به عنوان نجات وطن و حفظ انقلاب متحد سازد مسئله انتخابات و اجتماع نمایندگان مجمع کنستیتوانت را که مطرح نموده بود موکول بماء نوامبر نموده و متینگها و مجامع منعقد در کوچه ها تبدیل شدند بکنگره های عمومی و کنفرانس مسکو و حکومت موقتی چهارم را خبط بزرگ این بود که اعضاء و عاملینش را از مردمان کار آزموده لایق تشکیل

داده و هیچ توجیهی بلیدر های احزاب ننمود چون مطمئن بود که بقوت قوای منظم قزاق خواهد حکومت کرد و هیچگونه احتیاجی به شورای نمایندگان سربازان و عملجات و فلاحین که موجودین پارلمان موقتی و مجمع کنستیتوانت دموکراسی انقلابی بودند نخواهد داشت

### ارتجاعیون عوام فریب

دستجات اتانیسم مملکت پرستان و سرمایه داران و سلطنت مطلقه خواهان که همگی ارتجاعیون و زائیده جمعیت ( اتحاد ملت روس ) بودند نام جمعیت ( روسیه مقدس ) بخود نهادند

### اصول اساسی جمعیت روسیه مقدس

از حیث مسائل سیاسی و ملی ارتجاعیون عوام فریب تشکیل حزب نهایت دست راست را داده بودند و در مسائل اجتماعی از قبیل قضایای جنگی مشارکت کامل با عقاید احزاب نهایت دست چپ داشتند چنانچه برای خاتمه دادن باغتشاشاتی که یهودیان و علمای خود فروخته به آنان و با نکیه ها و جاسوسان مؤسس بودند ارتجاعیون عوام فریب می خواستند سلطنت مطلقه مستقر را که يك رژيم مقبول نزد خدا و پسندیده خاطر ملت است بنام « ارتودکس » مستقر سازند و معتقد بودند که تنها سلطنت مطلقه می تواند روسیه را در جاده افتخار بیندازد و عظمت سابقش را عودت دهد اما این ترمیم و عود ارتجاع ایجاب می نمود يك اتحاد واقعی مابین تزار و ملت و یک اصلاحات اساسی را

مساعد بحال دهقانان و بر قرار ساختن يك صلحی كه با حدت تمام همه كس آرزومند بود.

حزب روسیه مقدس معتقد بانقلاب مجمعی بود باسم مجمع ملی در تحت لوای يك تزار قادر مطلقى كه بتواند در كلیه قوانین اساسی و اصلی گفتگو و بحث نماید

ائتلاف و روزنامه های اورگان

جمعیت اتحاد ملت روس ترکیب یافته بود از ارتجاعیون ثابت العقیده كه اغلبشان از طبقه نوبلس مملکت بودند و از عمال جزو و تجار كم مایه مفتون بمواعید و امیدواری های خاموش سازنده مشتهیات عوام فریبانه آنها و از روزنامه فروشان دوره گرد و از نوع سان كولوت ها ( سان كولوت طبقه از اقلایون فرانسه بودند كه بعضی شلوار تنگی كه بچها و سرمایه داران در فرانسه می پوشیدند آنها شلوارهای گشاد درپامی كردند) و در مواقع لازمه مرتكب قتل و جنایت هم می شدند

شعب این اتحادیه در تمام شهرهای روسیه وجود داشت از ۱۹۱۶ به بعد آن اتحادیه رنگ عوام فریبانه بخود داده و موسوم شد به حزب روسیه مقدس و دسته سیاه را كه از سلطنت مطلقه خواهان تشكیل یافته بود با پلیسهای مخفی دولتی و مردمان پست خشن بسد سابقه بخود جذب نمود و در عملیات خود به آنها شركت داد

قبل از انقلاب ارکان اتحاد ملت روس روزنامه (بیرق)

روس بود هنگام انقلاب تبدیل شد به ( طوفان ) با سرمایه حزب جمعیت اتحاد ملت روس را يك شورای منتخب مجمع عمومی اداره می کرد و تشکیلات جمعیت و جلسات آن بکلی مخفی و مستور بود

## مرام

ارتجاعیون عوام قریب يك پروگرام سیاسی داشتند که عبارت بود از مواد ذیل

روسیه مال روسها - جنك با تمام ملك غیر روس مقیم در روسیه مخصوصا با یهودیان که دشمنان حقیقی ملت روس می باشند . - زمین بخش دهقانان . - کارخانجات و معادن سهم کارگرا . - ارتودوکس مذهب رسمی مملکت - صلح فوری با آلمان مغلوب نشدنی

موقوف کردن جنك و قهر و غلبه دسر قلم رو های متنازع فیه که بالاخره تعلق به بولونی ها و لیتوانی ها و لیتها و استوانی ها خواهند داشت

زمین زدن حکومت موقتی که در حقیقت حکومت ملاکین و صاحبان مشاغل و بانکیه هاست تا دیگر اینها نتوانند برای ترضیه خاطر متفقین امتداد جنك و الحاق اراضی را خواهان باشند . بهم زدن و برچیدن بساط سوسیتهای نمایندگان عملجات و سربازان و دهاقین که آلت پیشرفت مقصود فدراسیون عمومی اسرائیلی ها می بودند



وتکیه گاهشان هم حکومت موقتی بود

بولشویست ها و ارتجاعیون عوام فریب

در آنزمان يك ثلث از بلشویکها سلطنت طلبان بودند از آنجمله کرپلنکو فرمانده ککل بود که بواسطه معرفیش در تزار پرستی جزو جمعیت سوتانوار گردید و از جمله کسانی بود که علاقه مفراطی داشت به نگهداشتن بولونی و همه کس رفت و آمد دائم او را در دوائر سلطنت طلبان دیده بود - و نیز ژنرال مورایف فرمانده قشون بلشویکی درچنگ با قزاقها چنان طرف توجه سلطنت طلبان بود که مأمور محافظت قصر گراندوکها شده و او را کمیسر محله اول مسکو کرده بودند و همچنین عده زیادی دیگر از ژنرالها و تقریباً میتوان گفت که تمام صاحب منصبان بلشویکها جزو دستجات سلطنت طلبان بودند

اولین کسی که در فرونت مؤسس مودت و اخوت گردید بین سربازان و صاحب منصبان گنل شاتور بود درحالتیکه این گنل تازه وارد در فرانسه استاژ میکرد و بواسطه عقاید سلطنت طلبیش فوق العاده طرف ملاحظه شده بود تمام جرائد بطرو کراد او را اولین محرك و بر انگیزاننده معرفی مینمودند چنانچه از روی مکاتیبی که به بلیسهای مخفی حکومت قدیم نوشته شده بود این معنی کاملاً مبرهن شده بود

بقیه در نمره آتی

دکتر حسینقلی قزل ایاغ